

کجه

باغ هنر و اندیشه



فلمبروی بازنمایی محماری :انتزاع

نویسنده: کیمیا ساری

قلمروی بازنمایی معماری: انتزاع

نویسنده:

کیمیا ساری

انتشارات کوچه باغ هنر و اندیشه

۱۴۰۴

کج

باغ هنر و اندیشه

به ردپای او، که هموار کرد

بسیارند آن‌هایی که در پدید آمدن این اثر، از سالیان دور و نزدیک، ردی از خود در مسیر من به جا گذاشته‌اند. نگرشی که بخشی از آن به این کتاب منتهی شده است، جاده‌ای است بی‌پایان از انسان‌های مثال‌زدنی که خود شاید ندانسته‌اند کوچک‌ترین نشانه‌ای از آن‌ها، تلنگری بر من و افکارم زده است. بدون شک یادکرد از همگی آن‌ها در این فرصت کوتاه، امری دشوار است، اما ناگزیرم اینجا روشن‌ترین لحظه‌های این سفر را مکتوب کنم. نخست از اعتماد بی‌حدومرز مرتضی خیاط پور عزیز سپاسگزارم که این فرصت را بی‌چون و چرادر اختیار من قرار داد و در تمام این مدت همراهم بود؛ سپس از دکتر علیرضا سمیع‌آذر که زحمت خوانش و بررسی کتاب را با آغوش باز پذیرفت. سعید قطبی‌زاده نه در قامت استاد که همچون دوستی همیشگی در لحظات مبهم این مسیر همراهی‌ام کرد. قدردان یاسر موسی پور عزیز هستم که در آغاز این راه من را راهنمایی کرد و همچنین از آرین خلیقی سپاسگزارم که با نگاه تیزبینش در اشاره به نکاتی دقیق و جزئی، سعی در گره‌گشایی ابهامات من داشت.

کیمیا ساری



سخن ناشر

کتاب «قلمروی بازنمایی معماری: انتزاع» اثر کیمیا ساری، اثری تألیفی در حوزه معماری است که به نیازهای فکری این رشته پاسخ می‌دهد. این اثر به بررسی عمیق و دقیق مفاهیم بازنمایی در هنر و معماری می‌پردازد و از دیگر دستاوردهای آن، تحلیل تاریخی هنر و معماری است. نویسنده با نگاهی نوآورانه و تحلیلی، ما را به سفری از تاریخ هنر به سوی معماری مدرن دعوت می‌کند و در این مسیر، موضوعاتی مانند انتزاع و بازنمایی در طراحی‌های معماری را مورد بررسی قرار می‌دهد. کیمیا ساری با تأکید بر اهمیت بازنمایی، نشان می‌دهد که چگونه هنرمندان و معماران با دیدگاه‌های متفاوت، واقعیت را به شیوه‌ای دیگر می‌بینند و آن را در فرم‌های هنری خود بازنمایی می‌کنند. این کتاب کمک می‌کند تا درک بهتری از چگونگی شکل‌گیری ایده‌ها و مفاهیم در معماری حاصل شود و همچنین یادآور می‌شود که برخی اصطلاحات و مفاهیم در این حوزه ممکن است گمراه‌کننده باشند. در ساختار این اثر، شاهد دو بخش هستیم: بخش نخست به بررسی بازنمایی در هنر اختصاص یافته است و بخش دوم پیوند این مفهوم با معماری را مورد کاوش قرار می‌دهد. نویسنده تلاش دارد تا از طریق تحلیل دیاگرام‌ها و آثار مهم معماری، خواننده را به عمق انتزاع در معماری نزدیک کند. امید است که این کتاب نه تنها برای دانشجویان و پژوهشگران حوزه معماری، بلکه برای تمامی علاقه‌مندان به هنر و طراحی منبعی الهام‌بخش و آموزنده باشد. ما از کیمیا ساری بابت تلاش‌های ارزشمندش در ارائه چنین اثر غنی قدردانی می‌کنیم و آرزو داریم خوانندگان از مطالعه آن لذت ببرند و بینش‌های نوینی کسب کنند. همچنین لازم است از زحمات متخصصانی چون دکتر علی اسدپور، دکتر احسان طهماسبی، دکتر فریمه فاطمی و دکتر آیدا کیانفر به خاطر مطالعه و بررسی دقیق کتاب پیش از انتشار آن تشکر ویژه‌ای به عمل آید. نظرات ارزشمند ایشان کمک شایانی به ارتقای کیفیت اثر کرده است.

مرتضی خیاط پور نجیب
مدیر انتشارات

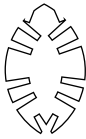
پیشگفتار مؤلف

مسیر اولم در این کتاب به مفهوم واقعیت برمی خورد؛ همانی که تفاوت هنرمندان و معماران را در نوع نگاه به این پدیده شکل می دهد. آنان نمی توانند یا نمی خواهند واقعیت را آن گونه بپذیرند که هست و آن را به همان شکلی نمی بینند که وجود دارد؛ بنابراین تلاش می کنند تا واقعیت را طور دیگری نمایش دهند؛ آن طوری که نیست. آن ها این واقعیت را در فرم هنری خود در طول تاریخ به روش های بیانی متفاوتی بروز داده اند که یکی از آن ها هنر «بازنما» و «بازنمایی» بوده است. بازنمایی در تلاش است برای جور دیگری واقعیت را دیدن و تولید کردن. من برای ورود به قلمروی بازنمایی در معماری می بایست از خیلی پیش تر به تاریخ این مفهوم دست پیدا می کردم؛ بنابراین ناگزیر باید برای نزدیک شدن به لحظات انتزاعی معماری، در یک سیر تاریخی، از مقوله کلی هنر شروع کنم و آن را شرح دهم تا بتوانم به معماری و گستره بازنمایی و انتزاع در آن نزدیک شوم.

باید گفت که این کتاب شرح تاریخ هنر نیست، بلکه سعی دارد در یک بررسی زمانی و تاریخی لحظاتی را بیان کند که از نظر من در تاریخ هنر دارای غلظت و خصلت پررنگ تری از مفهوم بازنمایی است. بدیهی است که بسیار لحظه های بازنمایی دیگر در بستر تاریخ هنر و معماری وجود دارد که در این کتاب اسمی از آن ها آورده نمی شود.

اما برخورد دومی که به طور موازی در ذهنم شکل گرفت، وجود بعضی عنوان ها و اصطلاحات در معماری است که به دلیل پراکندگی و گستردگی معنایشان دچار بی معنایی شده اند و در دامنه لغات هرروزه ما جا خوش کرده اند بی آنکه در گفت وگوهایمان دلیل کاربرد و معنایشان را به طور دقیق بدانیم. این کتاب ادعایی مبنی بر گره گشایی این نقص گفتمانی ندارد، اما تمام تلاشش را کرده است تا در این اغتشاش معنایی در دیسپلین معماری امروز، به یکی از این مفاهیم چنگ بزند و سعی کند رد پای ابهام را از آن بزداید. به دلیل کمبود منابع و کتاب های مرجع و ترجمه ناکافی در این حوزه (معماری)، شاید این کتاب از اولین قدم ها در راستای شفاف سازی یکی از مفاهیم پایه معماری باشد، آن هم نه به کمک مطالبی که سال ها است از تاریخ انقضایشان گذشته و در بستر امروز قابل ارجاع نیستند، بلکه با مفاهیمی که هرروز از آن ها سخن می گوئیم، اما توافق واضحی بر سر تفسیرشان نداریم؛ شاید هم تمایل واضحی به شفاف سازی نداریم و وجود این نقص گفتمانی بین برخی معماران حتی ضروری جلوه می کند، چراکه نبود شفافیت، بر مرزبندی آگاهی مهر تأیید می زند.

در انتها باید بگویم کتابی که در دست دارید ساختاری دوباره دارد: بخش نخست آن به بررسی مفهوم بازنمایی در تاریخ هنر می‌پردازد و به معرفی و خوانش برخی از این آثار و پیوستگی، تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری‌شان با آثار قبل و بعد خود منتهی می‌شود و بخش دوم بازتاب این مفهوم در معماری است که از میان همهٔ ظرفیت‌های بیانی‌اش در معماری به «دیگرام» پرداخته شده است. در انتها سعی شده است تا با تفسیر دیگرام‌های مهم و تأثیرگذار تاریخ معماری، به گستره‌ای که معماری انتزاع را لمس می‌کند، نزدیک شود.



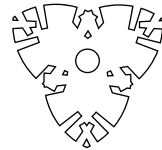
۱ ۱

بازنمایی در هنر

۳ ۶ ۷ ۱۳

دیدن یا ندیدن، مسئله این است
بازنمایی چیست؟ به دیده آوردن اندیشه
ساختار بازنمایی: چگونه به دیده آوردن
پیشینه بازنمایی: از کی؟ از کجا؟

۳۹

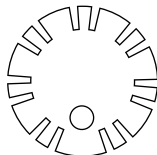


۴۱ ۴۴ ۴۷

بازنمایی در معماری

۲

بازنمایی معمارانه، نمایاندن اگرها...
دیاگرام چیست؟ حدفاصل واقعیت و انتزاع
پیشینه دیاگرام؛ از ابتدا تا بی نهایت



۶۷

مؤخره

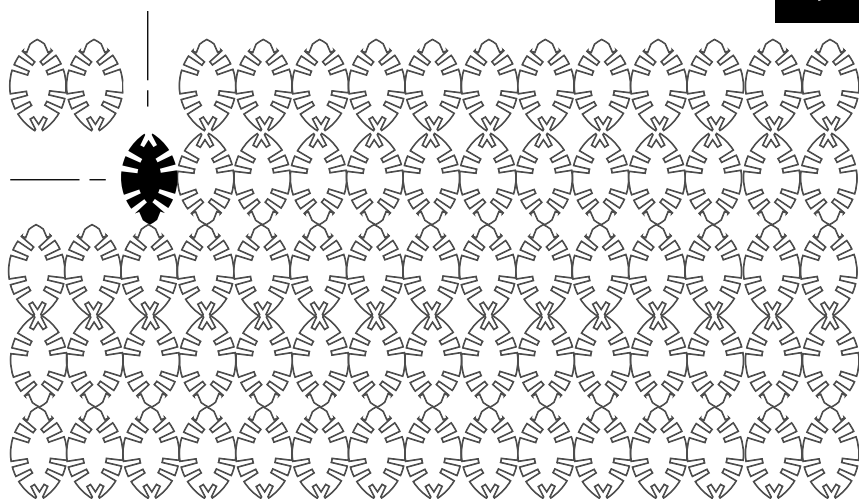


پانوشتها	
فصل اول	۳۶
فصل دوم	۷۰

واژه‌نامه

۷۲

۷۶ کتاب‌نامه



بازنمایی در هنر

«هیچ واقعیتی در کار نیست، هرچه هست تفسیر است.» (نیچه)^۱

دیدن یا ندیدن، مسئله این است

ما هرگز فقط به یک چیز نگاه نمی‌کنیم؛ ما همیشه به رابطه بین چیزها و خودمان نگاه می‌کنیم. نگاه ما به‌طور مداوم فعال، سیال و در حال حرکت است؛ اشیا را در محدوده خود نگه می‌دارد و آنچه در حال حاضر در مقابل ماست را مهیا می‌کند. به‌زودی درمی‌یابیم پس از اینکه ما می‌توانیم ببینیم، دیده هم می‌شویم. چشم دیگران با چشم ما درهم می‌آمیزد تا باور کنیم که ما هم قسمتی از جهان قابل مشاهده هستیم. اگر پذیرفته باشیم که می‌توانیم محدوده‌ای را ببینیم، درواقع داریم پیشنهاد می‌دهیم که از آن محدوده هم می‌توانند ما را ببینند. رابطه دوسویه بصری اهمیت بیشتری نسبت به گفت‌وگو داشته و گفت‌وگو اغلب تلاشی است برای توضیح دادن اینکه چگونه باید به‌صورت استعاری، چیزها را ببینیم (Berger, 1972). این‌ها را جان برجر^۲ در کتابش با عنوان «شیوه نگریستن» در رابطه با اهمیت چگونه دیدن می‌گوید. تاریخ مملو از موقعیت‌هایی است که آنچه ما می‌بینیم را متزلزل می‌سازد و آنچه می‌نماید نیست. از طرفی مسیر تاریخ، از همان جایی که رویدادهای معمولی در آن جلب توجه نمی‌کنند، در نقاطی دچار ناهمگونی‌هایی می‌شود که آن را از روند طبیعی خود مختل کرده و مسیر متفاوتی را پیشنهاد می‌کند. پدیده‌های مهم تاریخ از بین گسستگی‌ها و ترک‌های ناشی از این ناهمگونی آشکار می‌شوند، آن‌هم درست جایی که قابل پیش‌بینی نبوده است. این شکاف‌هایی از جاهایی است که مقوله بازنمایی را مسئله‌دار می‌کند و دست بر آن می‌گذارد؛ شکاف‌هایی مانند دیدن و دیده شدن، دیدن و تفسیر کردن، دیدن و شنیدن. نقش این موقعیت‌ها و شکاف‌ها در دل تاریخ چیست؟ مسیر تاریخ بطور به‌یک‌باره در لحظاتی تغییر جهت داده و چشم‌انداز خود را دگرگون ساخته است؟ گرینبرگ^۳ می‌گوید: «در هنر، چیزی جدای از تاریخ وجود ندارد که آن را مجبور به رفتن در جهت دیگر کند».